

بانکداری اسلامی و سودآوری

جناب آقای اسداله امیر اصلانی

معاون محترم وزارت امور اقتصادی و دارایی

مقدمه

گزارش حاضر که با عنوان بانکداری اسلامی و سودآوری تهیه شده است، عوامل مؤثر در میزان سودآوری بانکها و اهمیت آنها را از لحاظ بین‌المللی مورد بررسی قرار داده است. این گزارش، آمار و اطلاعات مربوط به موقعیت بانکهای ایرانی را در صحنه بین‌المللی مورد بررسی قرار داده، سپس به بررسی عوامل مؤثر در رفع نارسائی‌ها پرداخته و از جمله به عوامل سیاستهای پولی، عدم تلتی صحیح از بانکداری بدون زبا، عدم حساسیت صاحب سهم به سودآوری، تلقی سازمان دولتی از بانکها، عدم کارائی قانون اداره امور بانکها، عدم امکان رقابت جدی بین بانکها، به روز نبودن نظام مدیریتی بانکها و ارائه خدمات با تعرفه‌های پائین اشاره دارد.

میزان سودآوری بانکها

یکی از معیارهای مهم سنجش کارائی و یا عدم کارائی آنهاست. علاوه بر آن معیارهای دیگری از قبیل حاشیه سود، حجم دارائی‌ها و سایر نسبت‌های مالی همه ساله توسط مؤسسات بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد و هزار بانک اول دنیا به ترتیب با عدد و رقم در هر مورد معرفی می‌شود.

بانکهای ایرانی قبل از تعدیل نرخ ارز و کاهش قیمت پول ملی به لحاظ حجم دارائیه‌ها بعضاً در صد بانک اول دنیا و غالب آنها در دویست یا سیصد بانک اول دنیا قرار داشتند.

در همان زمان نیز بانکهای ایرانی به لحاظ سودآوری در رده‌های پائین تری قرار داشتند درجه‌بندی بانکها در معیارهای بین‌المللی از لحاظ حاشیه سود خالص به شرح زیر است:

حاشیه سودآوری خالص = $\frac{\text{سود قبل از کسر مالیات}}{\text{کل داراییها}}$

حاشیه سودآوری خالص	۲ به بالا	خیلی خوب
حاشیه سودآوری خالص	۱ تا ۲	خوب
حاشیه سودآوری خالص	۰/۵ تا ۱	متوسط
حاشیه سودآوری خالص	۰ تا ۰/۵	نامناسب
حاشیه سودآوری خالص	زیر صفر	بد

مقایسه این معیار با حاشیه سود بانکهای تجاری در ایران می تواند میزان موفقیت بانکها را در این خصوص نشان دهد.

اطلاعات مربوط به حاشیه سود در بانکهای تجاری در سالهای ۱۳۷۷-۱۳۷۵ به شرح جدول شماره (۱) است.

همانگونه که در جدول ملاحظه می شود حاشیه سود خالص در بانکهای کشور طی سالهای ۷۵ تا ۷۷ همیشه کمتر از ۱٪ بوده به جز بانک رفاه کارگران که تنها در سال ۷۷ بالای ۱٪ بوده است. مقیسه حاشیه سود در بانکهای کشور ما با معیارهای بین المللی بیانگر این مطلب است که بانکها از نظر حاشیه سود نوعاً در وضعیت مناسب نیستند.

نظر به این که معیار سودآوری و حاشیه سود در تلقی بین المللی از درجه اهمیت و اعتبار بانک بسیار موثر است و معمولاً بانکها و موسسات مالی بین المللی حجم معاملات خود را با سود در بانکها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و موانع موجود به منظور تامین محیط مناسب برای رشد فعالیت بانکها در صحنه بین المللی، رفع گردد، از جمله عواملی که در این خصوص باید مورد بررسی قرار گیرد عبارتند از:

۱- سیاست های پولی،

در سیاستهای پولی تعیین حداقل نرخ سود مورد انتظار و نرخ سود علی الحساب پرداختی به سپرده گذاران می تواند در حاشیه سود بانکها موثر باشد.

تعیین حداقل نرخ سود مورد انتظار در یک بخش می تواند ابزار مناسبی برای کنترل میزان سرمایه گذاری از تسهیلات بانکی در آن بخش بهره مند شوند و بدین ترتیب سوق منابع بانکی به بخش مورد نظر تسهیل گردد. برعکس بالا بردن حداقل مذکور موجب خواهد شد، تسهیلات بانکی در آن بخش به طرحهایی با سودآوری بیشتر تخصیص یابد و طرحهای با سودآوری کمتر نتواند از تسهیلات بانکی بهره مند شوند و سرمایه گذاری در آن بخش محدودتر و در نتیجه طرحهای کمتری از طریق منابع بانکی تامین مالی می گردد.

جدول شماره (۲) نرخ سودآوری مورد انتظار تسهیلات اعطایی بانکها را در بخشهای مختلف طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۸ نشان می دهد:

همانگونه که در جدول مزبور مشاهده می‌شود، حداقل نرخ سود مورد انتظار در بخشهای اقتصادی با توجه به اولویت بخشهای مورد نظر و در جهت هدایت منابع بانکی به سوی بخشهای تولیدی (به ترتیب کشاورزی، صنعت و معدن و ساختمان و مسکن) تنظیم شده است. قبل از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز با استفاده از مکانیزم بهره در بخشهای مختلف اقتصادی نیل به اهداف مشابهی ملحوظ نظر بوده است.

جدول شماره (۳) نمایانگر میزان نرخ بهره وامهای بخشهای مختلف اقتصادی در سالهای ۱۳۵۳-۱۳۵۶ در بانکهای تخصصی است. در سالهای مورد بررسی با توجه به نقش بانکهای تخصصی در توسعه اقتصادی کشور و به منظور توسعه فعالیت بانکهای مزبور و همچنین سوق منابع بانکی به بخشهای تولیدی، میزان بهره در بانکهای تخصصی به مراتب کمتر از میزان بهره در بانکهای تجاری در نظر گرفته شده است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود تعیین نرخهای فوق‌الذکر با هدف سوق منابع بانکی به بخشهای تولیدی و صادرات و محدودیت وامهای غیرتولیدی بوده است.

در بانکداری بدون ربا طبق قانون باید سود حاصل از عملیات عقود اسلامی بین صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری بعد از کسر حق الوکاله بانک تقسیم گردد. در سیاستهای پولی سالهای اخیر برای رونق سرمایه‌گذاری در بخشهای اقتصادی حداقلهای تعیین شده برای سود مورد انتظار در تسهیلات اعطائی با سود علی‌الحساب که باید ماهانه به صاحبان سپرده پرداخت شود تناسب وجود ندارد. چون سود علی‌الحساب بر اساس پیش‌بینی سود آخر سال هر بانک پرداخت نمی‌شود بلکه هدف جذب سپرده‌های بیشتر و یا نگهداری سپرده‌های موجود است. لذا ملاحظه می‌شود به عنوان نمونه بانک ملی ایران طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ سالانه بین ۷/۷ الی ۸/۹ درصد در این خصوص متضرر شده و منابع معتناهایی از سایر درآمدهای خود را به پرداخت سودهای علی‌الحساب تخصیص داده است. (به شرح جدول شماره ۴)

۲- عدم تلقی صحیح از بانکداری بدون ربا،

تهیه و تدوین و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از بزرگترین و باارزش‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است. امروزه استفاده از بانکداری بدون ربا برای اعطای تسهیلات در بین بانکهای سایر کشورها، حتی کشورهای غربی، نیز مورد توجه و عمل قرار گرفته است و قابل توجه آن که در سمینارهای بین‌المللی بانکداری اسلامی بعضاً تعداد کشورهای غیراسلامی شرکت‌کننده قابل مقایسه با تعداد کشورهای اسلامی شرکت‌کننده در سمینار می‌باشد.

با آن که ایران تنها کشوری است که مقررات بانکداری اسلامی را به طور کامل و در سراسر کشور در کلیه بانکها به مورد اجرا گذاشته است لکن به علت مشکلات و مسائل اقتصادی بعد از انقلاب، مانند جنگ، تحریم اقتصادی، کاهش قیمت نفت که، دولت را با تضییقات درآمدی مواجه ساخت به منظور

تحقق اهداف برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بهبود وضعیت مناطق محروم، افزایش اشتغال، کمک به خانواده‌های محروم و افزایش تولید، همه ساله در بودجه کل کشور تسهیلات اعتباری قابل ملاحظه‌ای در جهت اهداف یاد شده در قالب تبصره‌های بودجه بانرخ کارمزد پائین تخصیص داده شد و می‌شود. استفاده از اعتبارات تکلیفی شبکه بانکی کشور در تبصره‌های قانون بودجه مخصوصاً از سال ۱۳۷۲ به بعد رشد فزاینده‌ای داشته است. اعطای این قبیل تسهیلات ضمن آنکه موجب افزایش بدهی بخش دولتی و خصوصی به سیستم بانکی در طی این سالها گردید، نقدینگی بانکها را برای اعطای تسهیلات عادی محدود نموده لذا اعطای تسهیلات طی سالهای گذشته، برخلاف طبیعت معاملات بر مبنای قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده و موجب شده است که سودآوری بانکها بر مبنای قانون هیچگاه تجربه نشود و قضاوت در کارآئی و عدم کارآئی سیستم امکان پذیر نباشد و به استفاده کنندگان از تسهیلات و حتی در مواردی به مسئولان نظام بانکی نیز اجازه نداد که، طبیعت و ماهیت عملیات بانکی بدون ربا را آنچنانکه باید باشد تلقی و باور کنند و در قشرهای مختلف تجاری، اداری، مسئولیتهای مدیریتی دولتی و حتی بانکی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی افراد بعضاً از تعرفه‌ها و سود مورد نظر در قانون عملیات بانکی بدون ربا از عنوان «بهره» یاد می‌کنند در حالی که سود سپرده‌گذاران بر اساس مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا، به شرح زیر تعیین می‌شود:

بانک در سود حاصل از مشارکت بانکها با متقاضیان تسهیلات بانکی شریک است در عین حال سود حاصل از عملیات بانکها متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ به کار گرفته شده در این عملیات بین بانکها و سپرده‌گذاران تقسیم خواهد شد و بر اساس مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانکها موظفند در تامین منابع مالی جهت اعطای تسهیلات بانکی اولویت را به منابع سپرده‌گذار بدهند و در صورت عدم تکافوی مبالغ مزبور از محل منابع خود (اندوخته‌ها و سپرده‌های قرض‌الحسنه) تامین نمایند. بنابراین سود عملیاتی بانکها عمدتاً ناشی از بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری است و پس از کسر هزینه‌ها متعلق به سپرده‌گذاران است و محاسبه آن تفاوت ماهوی با نحوه محاسبه «بهره» در بانکداری مبتنی بر بهره دارد.

۳- عدم حساسیت صاحب سهم به سودآوری

یکی از عوامل بسیار مهم سودآوری انگیزه سرمایه‌گذار در تحصیل سود مناسب برای سرمایه خود می‌باشد، صاحب سرمایه برای حفظ سرمایه خود و نیز بازدهی مناسب، مطالعه می‌کند، فرضهای مختلف را می‌سنجد و در نهایت با توجه به سودآوری بالاتر، بخش مورد نظر را انتخاب می‌نماید و در صورتی که قرائن و شواهد حاکی از زیان و یا کاهش بازدهی باشد نسبت به فروش و تغییر مورد سرمایه‌گذاری اقدام می‌کند. در سرمایه‌گذاریهای کلان مستمراً عوامل بازدهی و زیان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل و حسب نیاز مورد اصلاح قرار می‌گیرد.

امروزه سرمایه‌گذاران با توجه به امکانات نرم‌افزارهای محاسباتی پیشرفته وضع سرمایه‌گذاری خود را در طول ماه، هفته و بعضاً روزانه مشخص و مسیر حرکت خود را در انجام اصلاحات لازم تعیین می‌کنند. ولی چنانچه دولت‌ها صاحب سهم باشند، حساسیت به سودآوری نوعاً پایین دقت وجود ندارد. زیرا نمایندگان سهام دولت با توجه به کثرت وظایفی که بر عهده دارند معمولاً در سال فقط یک بار در مجمع عمومی شرکت و با اتکا به گزارش بازرسان و مدیریت و اطمینان از صحت مطالب عنوان شده در گزارشهای مذکور، صورتهای مالی را تصویب می‌نمایند. با توجه به اینگونه ارزیابی از صورتهای مالی در واحدهای دولتی، امروزه خصوصی سازی به عنوان یکی از عوامل مهم تحول در امور اقتصادی و نیز افزایش بازدهی واحدهای اقتصادی به شمار می‌آید، ضمن آنکه نمایندگان سهم دولت که مسؤولیت اداره امور بخشهای مختلف را به عهده دارند، در بسیاری از موارد بانکها را به صورت ابزاری در جهت تحقق وظایفی که به عهده دارند تلقی می‌کنند و نسبت به سود و یا زیان بانکها حساسیت لازم را ندارند و حتی بعضاً شنیده می‌شود که بعضی از مسئولین و نمایندگان مجلس اظهار می‌دارند از آنجا که بانکها متعلق به دولت است و ضرورت دارد در جهت تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی دولت عمل نمایند، لذا سودآوری بانکها را به صورت منطقی مدنظر قرار نمی‌دهند.

۴- تلقی سازمان دولتی از بانکها

قبل از انقلاب ۳۶ بانک در کشور فعالیت داشتند. سرمایه تعدادی از آنها مانند بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک رهنی ایران و بانک کشاورزی متعلق به دولت بوده ولی اکثر آنها با مشارکت بخش خصوصی و بعضی از کشورهای خارجی تاسیس شده و فعالیت داشتند. نظارت بر بانکها و اعمال سیاستهای پولی توسط بانک مرکزی اعمال می‌شد. در این دوره بانکهای دولتی با قدرت با سایر بانکها رقابت می‌کردند و با بانکهای خصوصی در محیطی همسان در شمول مقرراتی مساوی عمل می‌کردند و دولت همانند سایر صاحبان سهام بانکها با اعمال بازرسی بر عملیات و بررسی و تصویب صورتهای مالی در مجمع، سود سهام خود را دریافت می‌کرد و بانکهای دولتی مانند بانکهای خصوصی در تجهیز و تخصیص منابع صرفاً مقررات بانک مرکزی را رعایت می‌کردند. با ملی شدن بانکها تلقی از آنها تغییر کرد. بعضاً تصور می‌شد و می‌شود این بانکها متعلق به دولت است و منابع آنها در جهت تامین نیازمندیهای دولت می‌تواند به کار رود. بدین معنی که می‌توان با بانکها همانند سایر شرکتهای دولتی هرگونه اعمال اختیارات مالکانه نمود. و حال آنکه در یک شرکت دولت مثل شرکت نفت یا پتروشیمی و دخانیات تمام دارائی آن به دولت تعلق دارد و سهم حقوق صاحبان سهام و ذخائر بالابست ولی در بانکها در حال حاضر متوسط حقوق دولت در دارائیهای نظام بانکی شاید قدری بیشتر از ۴٪ باشد. بقیه دارائیهها در مقابل سپردههای مردمی است. و بانکهای دولتی صرفاً برای کنترل بخش بانکداری و رقابت با بانکهای خصوصی در جهت تامین منافع مردم و جلوگیری از سودآوری اجحاف‌آمیز باید باشد.

بعضاً وزارتخانه‌ها فکر می‌کنند اگر از بانکهای دولتی اختصاصاً بانکی برای خود داشته باشند شاید در تحقق اهداف آنها کمک خوبی باشد.

در زمانی عنوان شد که بانک ملت را به آموزش و پرورش و بانک سپه را به ارتش و بانکهای تجاری را به وزارت بازرگانی واگذار نمایند. حال آنکه اگر قرار باشد در کشور سیاستهای پولی اجرا شود بانک برای هیچ دستگاه دولتی کوچکترین نفعی ندارد و صرفاً باید بر مدیریت و نحوه اداری آن نظارت کند. وزارتخانه‌های دولتی مصرف‌کننده بودجه هستند و قانوناً نمی‌توانند از منابع بانکی استفاده کنند. در مواردی که مجاز باشند بانکدار آنها بانک مرکزی است و نه سایر بانکها. این تلقی و اصرار بر آن، زمینه را برای آزاد سازی بانکها در جهت ایفاء نقش آنها در جامعه و مالا رسیدن به حد نصابهای منطقی قابل قبول نظام بانکی جهان بسیار دشوار می‌سازد.

۵- عدم کارآیی قانون اداره امور بانکها

با ملی شدن بانکها و ادغام آنها و تصویب لایحه قانونی اداره امور بانکها وضعیت فعلی نظام بانکی شکل گرفت، با توجه به شرایط زمانی در تدوین و تصویب قوانین اوائل انقلاب مهلت کافی برای کارشناسی وجود نداشت و لذا اکثر قوانین مصوب شورای انقلاب در دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. قانون اداره امور بانکها با توجه به اهمیت بانکداری و طیف گسترده عملیات آن در کل جامعه از جمله این قوانین است که متأسفانه مورد بررسی مجدد قرار نگرفته است.

این قانون در دولتی تلقی شدن نظام بانکی بسیار موثر بوده است.

در این قانون با الگوبرداری از قانون تاسیس بانک ملی و کشاورزی قبل از انقلاب که دارای مجمع عمومی و یک شورای عالی بود برای همه بانکها یک مجمع عمومی و یک شورای عالی بانکها وضع شد ولی برخلاف آنچه در الگو وجود داشت به جای هیأت عامل در آن بانکها در بانکداری بعد از انقلاب هیأت مدیره قرار گرفت.

شورای عالی در بانک ملی دارای اختیارات و نقش هیأت مدیره بوده ولی شورای عالی بانکها در قانون فعلی به هیچ‌وجه نقش و اثر آن را در بانکها ندارد. هیأت مدیره در حال حاضر موظف است و مدیرعامل که در اساسنامه دارای اختیارات وسیع اجرائی است می‌تواند قسمتی از اختیارات را به هر یک از اعضاء هیأت مدیره تفویض نماید که در این خصوص اعضاء در حکم معاون مدیرعامل و مسئول او قرار می‌گیرند و حال آنکه طبق قانون هیأت مدیره رکن بالاتر و مدیرعامل مسئول هیأت مدیره است این یک تناقض در ساختار مدیریت بانکها است. چه کسی بر سود و زیان و افت و خیز و اعمال سیاستها و عملکرد بر طبق آنچه مقرر شده نظارت می‌کند. مدیراجرائی در خصوص اقدامات مالی و اداری در یک برهه هفتگی - ماهانه به چه کسی پاسخگو است؟ در قبل از انقلاب مثلاً در بانک ملی هیأت عامل که مرکب از مدیرکل و قائم مقام و معاونین او بودند باید امور بانک را به شورای عالی

گزارش می‌دادند و در مسایل به آن شورا پاسخ می‌گفتند.
 هیأت مدیره با قانون اداره امور بانکها نمی‌تواند ناظر عملکرد مدیریت باشد چون خود در اجرا شریک است و شورای عالی بانکها نیز چنین وظیفه‌ای را به عهده ندارد.
 این نقیصه می‌تواند از عوامل مهم عدم کارایی بانکها باشد.

۶- عدم امکان رقابت جدی بین بانکها

رقابت جدی وقتی امکان‌پذیر است که رقبا دارای نفع در پیشرفت واحد و تحمل خسران و زیان در صورت عدم تحرک به اقتضای شرایط زمان و محیط باشند. بدیهی است در چنین حالتی هر واحدی مستمراً فرصتها و تهدیدات را شناسایی و روزانه مراقب عملکرد خود و رقبا است. رقابت موجب اصلاح تکنولوژی و ساختار و تربیت کارکنان و آموزش و تبلیغ اثر بخش و مالاً رشد و شکوفائی واحد می‌شود.

ولی در شرایط فعلی که بانکها دارای یک اساسنامه همسان، ساختار سازمانی و مدیریتی و آئین‌نامه استخدامی و انضباطی همانند و بودجه سالانه هماهنگ در واقع همگی شعب یک سیستم بزرگ می‌باشند چگونه باید رقابت کنند؟ رقابت وقتی است که بانکی بتواند با کارآیی و سودآوری بیشتر به سپرده‌گذاران با تجهیز منابع بیشتر سود بیشتری بدهد و استفاده‌کنندگان از تسهیلات و گیرندگان خدمات‌ها با ساختاری مناسب و متخصصین کارآمد خدمات بهتری ارائه نماید.

۷- به روز نبودن نظام مدیریتی بانکها

صرفنظر از مشکلی که در ساختار مدیریتی بانکها ذکر شد، در سالهای اخیر مطالعاتی در نظام مدیریت بانکی صورت گرفته که هیأت مدیره مسؤول مرکب از تخصصهای مختلف به تعداد کافی با لحاظ بزرگی بانک از جهت گسترده جغرافیائی و پرسنلی افزایش می‌یابد. یک حسابرسی داخلی روزانه عملکرد را بررسی و به عضو هیأت مدیره غیراجرایی و نه مدیرعامل یا مدیران اجرایی گزارش می‌دهد که اشکالات و مسایل مهم در جلسه ماهانه هیأت مدیره مطرح و امور مورد تجزیه و تحلیل و ارائه طریق و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد.

۸- ارائه خدمات با تعرفه‌های پائین

تعرفه ارائه خدمات در نظام بانکی بسیار نازل و با توجه به هزینه بالای ارائه این خدمات، بانکها مبالغ معتناهایی در این خصوص زیان می‌کنند.

تقویم و دریافت قیمت واقعی خدمات باید بتواند سود بانکها را با درصد بالائی افزایش دهد. امید است با اصلاح قانون اداره امور بانکها و نظام مدیریتی و آئین‌نامه‌های استخدامی و انضباطی بانکها با توجه به جهت‌گیری برنامه سوم نظام بانکی کشور متحول گردد.

جدول شماره ۱

حاشیه سود در بانکهای تجاری در ایران طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۷۷

نام بانک	حاشیه سود ناخالص			حاشیه سود خالص		
	۷۵	۷۶	۷۷	۷۵	۷۶	۷۷
ملی ایران	۲/۰۹	۲/۳۲	۲/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۲۱
ملت	۲	۲/۱۱	۲/۲	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۶
صادرات ایران	(۰/۱۴)	۱/۱۷	۲/۲۹	(۱/۱۷۴)	۰/۲۶	۰/۱۸۹
تجارت	۱/۷۷	۱/۹۷	۲/۵۶	۰/۱۳	۰/۱۸	۰/۱۶
سپه	۲/۱۴	۲/۱۶	۱/۷۳	۰/۰۶	۰/۰۵۶	۰/۱
رفاه کارگران	۳/۰۶	۴/۲۲	۴/۴۴	۰/۳	۰/۸۲	۱/۱۴

جدول شماره ۲

نرخهای سود مورد انتظار تسهیلات اعطائی بانکها در بخشهای مختلف اقتصادی

طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۸

بخش اقتصادی	سال	۱۳۶۳	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۴	۱۳۷۷
کشاورزی	۴-۸	۶-۹	۶-۹	۹	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۳-۱۶	۱۳-۱۶
صنعت و معدن	۶-۱۲	۱۱-۱۳	۱۱-۱۳	۱۳	۱۶-۱۸	۱۶-۱۸	۱۷-۱۹	۱۷-۱۹
ساختمان و مسکن ^۱	۸-۱۲	۱۲-۱۴	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۵	۱۵	۱۵-۱۶	۱۸-۱۹
بازرگانی	۸-۱۲	۱۷-۱۹	به بالا و ۱۸	به بالا و ۱۸	۱۸-۲۴	۱۸-۲۴	۲۲-۲۵	۲۲-۲۵
خدمات	۱۰-۱۲	۱۷-۱۹	به بالا و ۱۸	به بالا و ۱۸	۱۸-۲۴	۱۸-۲۴	۲۲-۲۵	۲۲-۲۵
صادرات	-	-	-	-	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸

جدول شماره ۳

نرخ بهره وامهای بخشهای اقتصادی ۱۳۵۳-۱۳۵۶

در بانکهای تخصصی

بخش اقتصادی	سال	۱۳۵۳	۱۳۵۵	۱۳۵۶
کشاورزی:				
- بخش سنتی و کوچک		۵	۵	۵
- فعالیتهای بزرگ		۶-۸	۷-۹	۷-۹
- ساختمان		حداکثر ۸	۹	۱۰
- صنعتی و معدنی		حداکثر ۸	۹	۹

۱- توضیح اینکه طی سالهای مذکور حسب مورد و بر اساس مقررات برای بعضی از اقشار از قبیل کارمندان دولت، خانواده شهدا، جانبازان، کارگران بیمه شده، آزادگان و اعضای هیات علمی دانشگاهها و برای واحدهای مسکونی کمتر از ۷۵ متر مربع نرخهای ترجیحی اعمال شده است.

محاسبه سوبسید پرداختی به سپرده‌گذاران
در پایان سالهای ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۸

جدول شماره ۴

سال مالی	مبالغ دریافتی و بلایه‌های کوتاه مدت	مبالغین مجموع سپرده‌های ریالی بخش خصوصی	سپرده قانونی سپرده سرمایه‌گذاری	تقدیرتنگی ۱/۲	منابع آزاد	سود پرداختی سود پرداختی	درآمد حاصل از سپرده قانونی	سهام سود سهام پرداختی	سهام هزینه‌های پرسنلی و اداری و استهلاک از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری	کل سهام سود پرداختی به سپرده‌های بلایه‌های کوتاه مدت	قیمت تمام شده
۱۳۷۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	
۱۳۷۴	۸/۰۰۸	۲۰/۴۸۳	۱/۴۷۶	۱۶۰	۶/۳۷۷	۹۶۶	۱۵	۶۳	۱/۰۱۴	۱۵/۹۱	
۱۳۷۵	۱۰/۰۸۰	۲۵/۱۲۷	۱/۸۷۲	۲۰۳	۸/۰۰۴	۱/۱۹۶	۱۹	۱۰۳	۱/۲۸۰	۱۵/۹۹	
۱۳۷۶	۱۳/۲۰۳	۳۳/۹۱۴	۲/۴۲۴	۲۶۴	۱۰/۵۱۴	۱/۶۰۵	۲۷	۱۳۰	۱/۷۰۷	۱۶/۳۴	
۱۳۷۷	۱۷/۵۷۶	۴۰/۵۹۷	۳/۱۳۶	۳۵۱	۱۴/۰۸۹	۲/۱۲۸	۳۵	۱۸۵	۲/۲۷۸	۱۶/۱۷	
۱۳۷۸	۲۲/۳۰۵	۵۰/۵۲۴	۳/۹۹۷	۴۴۷	۱۷/۸۶۱	۲/۷۷۷	۴۶	۲۴۸	۲/۹۷۹	۱۶/۶۸	

سال مالی	کل معاملات عفو از کسر فرض الحسبه و خرید دین	کل درآمد معاملات عفو اسلامی	درآمد معاملات از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری	سهام هزینه‌های پرسنلی و اداری و استهلاک از محل درآمد سپرده‌های سرمایه‌گذاری	هزینه ذخیره مطالبات از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری	خالص درآمد معاملات عفو اسلامی از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری	سوسید پرداختی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری	درآمد معاملات عفو اسلامی	نرخ مؤثر سهام سود پرداختی (سوسید)
۱۳۷۴	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۲۰
۱۳۷۴	۸/۹۸۰	۱/۱۵۳	۷۶۵	۸۴۰	۲۷	۶۵۴	۳۶۰	۱۰/۲۶	۷/۷۴
۱۳۷۵	۱۲/۳۵۰	۱/۵۳۳	۹۹۳	۱۳۸	۵۵	۸۰۰	۴۸۰	۱۰/۰۰	۸/۰۵
۱۳۷۶	۱۶/۷۹۶	۱/۹۶۵	۱/۳۰۰	۱۷۹	۹۵	۹۵۶	۷۵۱	۹/۱۰	۸/۹۹
۱۳۷۷	۲۱/۰۵۹	۲/۵۹۴	۱/۷۳۵	۲۶۶	۹۵	۱/۳۹۴	۸۸۴	۹/۹۰	۸/۲۳
۱۳۷۸	۲۹/۰۱۱	۴/۵۳۷	۲/۱۸۰	۳۱۳	۱۳۷	۱/۷۳۰	۱/۲۶۹	۹/۶۹	۸/۹۲

نرخ مؤثر کل تسهیلات عفو اسلامی	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
۱۳۷۴	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۳/۶	۱۳/۷	۱۳/۸
۱۳۷۵	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۳/۶	۱۳/۷	۱۳/۸
۱۳۷۶	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۳/۶	۱۳/۷	۱۳/۸
۱۳۷۷	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۳/۶	۱۳/۷	۱۳/۸
۱۳۷۸	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۳/۶	۱۳/۷	۱۳/۸